

Comparison of non-market effects of human capital in Iran and other regions of the world

Mohammad Javad. Salehi^{1*} 

¹ Assistant Professor, Higher Education Research and Planning Institute, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: javadsaleh@gmail.com

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Salehi, M. J. (2023). Comparison of non-market effects of human capital in Iran and other regions of the world. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(2), 1-26.



© 2023 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

In addition to the market effects of human capital, non-market effects are also of special importance in economic growth and development. The main purpose of this article is to calculate the criteria and indicators of non-market effects of human capital from theoretical foundations and then compare these effects in Iran and other geographical and income regions of the world. Using library method, non-market criteria of human capital such as health, democracy, human rights, political stability, inequality and poverty, environment, Crime, and finally quality of life were extracted and studied and compared over time as well as cross-sectional. The results showed that regardless of the indicators of human development and human capital and scientific in which Iran has a relatively good position but the product of these criteria and indicators is the non-market effects of human capital in very low political sphere, relatively low in social sphere, and if we consider the quality of life index as a combination of all indicators and criteria we are evaluated at a very bad and low level.

Keywords: *Geographical Regions, Human Capital, Income Regions, Index, Non-market Effects.*



تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۴۰۰

پذیرفته شده در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۴۰۱

منتشر شده در تاریخ ۱۰ تیر ۱۴۰۲

فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی

دوره ۲۹، شماره ۲، صفحه ۲۶-۱



شاپای الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۲۰۱

سرمایه انسانی و آثار غیر بازاری آن در ایران و سایر مناطق جهان

محمد جواد صالحی^۱

۱. استادیار، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: javadsaleh@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

صالحی، محمدجواد. (۱۴۰۲). سرمایه انسانی و آثار غیر بازاری آن در ایران و سایر مناطق جهان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۹(۲)، ۱-۲۶.



© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

در کنار آثار اقتصادی سرمایه انسانی، آثار غیر بازاری یا غیر پولی آن نیز از اهمیت خاصی در رشد و توسعه یک کشور برخوردار است. هدف اصلی این مقاله احصاء معیارها و شاخص‌های آثار غیر بازاری سرمایه انسانی از مبانی تئوریک و پیشینه تحقیق و سپس مقایسه این آثار در ایران و سایر مناطق جغرافیایی و درآمدی جهان است. با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای معیارهای بهداشتی، دموکراسی، حقوق بشر، ثبات سیاسی، نابرابری و فقر، زیست‌محیطی، جرم و جنایت و نهایتاً کیفیت زندگی احصاء و سپس در طول زمان و همچنین به طور مقطعی برای ایران و سایر مناطق جهان مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفتند. نتیجه بررسی‌ها نشان داد که فارغ از شاخص‌های علمی، توسعه انسانی و سرمایه انسانی که به واسطه تعداد مقاله، تعداد دانشجوی و دانش آموخته و همچنین برخی شاخص‌های بهداشتی، که ایران در آن‌ها جایگاه نسبتاً خوبی دارد، اما ماحصل این معیارها و شاخص‌ها یعنی آثار غیر بازاری سرمایه انسانی در حوزه‌های سیاسی خیلی پایین، در حوزه‌های اجتماعی نسبتاً پایین و اگر شاخص کیفیت زندگی را ترکیبی از همه شاخص‌ها و معیارها در نظر بگیریم تقریباً در سطح خیلی بد و پایین ارزیابی می‌شویم.

کلیدواژگان: سرمایه انسانی، آثار غیربازاری، معیار، شاخص، مقایسه، مناطق جغرافیایی، مناطق درآمدی





مقدمه

اقتصاددانان بسیاری از زمان ادام اسمیت به بعد آثار مثبت آموزش و محصل آن یعنی سرمایه انسانی را مورد توجه قرار داده اند. آنچه مسلم است سرمایه انسانی دارای آثار اقتصادی (شامل تاثیر بر رشد اقتصادی و درآمدهای فردی) و همچنین آثار اجتماعی یا عوارض خارجی و یا آثار غیر بازاری بسیاری است. در کشورهای مختلف آثار اقتصادی سرمایه انسانی با روشهای مختلف اندازه گیری شده و در بسیاری از آنها اثر مثبت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی و درآمدهای فردی تایید گردیده است (Salehi, 2005, 2015). شاید بتوان گفت که آموزش و سرمایه انسانی تنها خدمتی است که عوارض خارجی مثبت زیادی دارد. برخی از این آثار غیر بازاری و یا غیر پولی سرمایه انسانی عبارتند از تولید کالای خانگی با کیفیت، کاهش جرم و بدهکاری در جامعه، تربیت شهروند قانونمند و دموکرات، بالا رفتن شاخص‌های فرهنگی (سینما، تئاتر، کتاب خوانی و...)، حفاظت بیشتر از محیط زیست، رعایت اخلاق و بسیاری موارد دیگر.

از طرفی اهمیت آموزش و ایجاد سرمایه انسانی در افراد، مقوله‌ای در عرصه عدالت اجتماعی و یکی از عوامل جدی توسعه اقتصادی- اجتماعی است و شواهد بدست آمده همچون نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ زاد و ولد، افزایش امید به زندگی، افزایش هزینه فرصت ماندن در خانه بویژه برای زنان، افزایش کیفیت کالای خانگی، تربیت بهتر فرزندان و کاهش جرم و جنایت توسط برخی محققان می‌تواند گواه این امر باشد (Ebadi & Salehi, 2010; Emadzadeh, 1995; Farasatkah, 2020; Farasatkah & Salehi, 2021; Naderi, 2014; Psacharopoulos, 2000; Vásquez et al., 2020). قطعاً یکی از محیط‌هایی که می‌تواند موارد فوق الذکر را در خود فرد و اطرافیان ایجاد نماید، دانشگاه است. بر این اساس بر آن شدیم تا این آثار غیر بازاری سرمایه انسانی را در کشور اندازه‌گیری و ارزیابی کنیم که آیا آموزش- عالی رسالت خود در خصوص آثار غیر بازاری سرمایه انسانی را انجام می‌دهد یا خیر؟ سرمایه انسانی دارای آثار غیر بازاری فراوانی است که از آن جمله می‌توان به آثار اجتماعی (کاهش جرم، عضویت در فعالیتهای داوطلبانه، مصرف بهینه خانوار، مثبت نگری، استفاده بهینه از زمان و اوقات فراغت و...)، آثار فرهنگی (افزایش سرانه مطالعه، افزایش تئاتر و سینما، وب گردی، شهروند جهانی، اخلاق و...)، آثار سیاسی (مشارکت مدنی، شهروند دموکرات، انتخاب بهینه در مسائل سیاسی کشور، آزادی، برابری و...)، توانایی‌های فردی (حل مساله، افزایش اعتماد به نفس و...) و مسائلی از قبیل حفظ محیط زیست، رعایت مسائل بهداشتی و سلامت جامعه و... اشاره کرد. انتظار می‌رود آموزش عالی نقش اساسی و مهمی در ایجاد سرمایه انسانی و بخش مهم آن یعنی آثار غیر پولی داشته باشد (McMahon, 2000).

با گسترش کمی آموزش عالی و به خطر افتادن کیفیت آن به نظر می‌رسد اگر این گسترش حداقل بتواند آثار غیر پولی سرمایه انسانی را افزایش دهد، شاید بتوان از رشد کمی آموزش عالی در این خصوص دفاع کرد. بنابراین مساله اصلی در این مقاله این است که پیامدها و آثار غیر پولی سرمایه انسانی در ایران و مناطق مختلف جهان چگونه است و آیا آموزش عالی (متغیرهای جایگزین سرمایه انسانی) توانسته است این آثار را ایجاد کند یا خیر؟ با توجه به اینکه یکی از اهداف آموزش عالی تربیت نیروی متخصص برای جامعه است و از آنجا که این نیروی متخصص علاوه بر تخصص کاری باید دارای سایر فضایل و خصیصه‌های انسانی و اجتماعی نیز باشد تا در جامعه مثر ثمر باشد، لذا ضرورت دارد در کنار اندازه‌گیری‌های متداول میزان تخصص، به برآورد و اندازه‌گیری آثار غیر پولی سرمایه انسانی و پیامدهای آن در کشور نیز پرداخته شود تا پس از آن بتوان سیاستگذاری مناسبی در آموزش عالی کشور داشت. سوال اساسی این مقاله اینست که آیا سرمایه انسانی توانسته با آثار غیر بازاری خود بر محورها و متغیرهایی همچون مسائل اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، زیست محیطی و در مجموع کیفیت زندگی تاثیر گذار باشد؟ و بر این اساس دو هدف اصلی در این مقاله دنبال می‌شود: اول شناسایی آثار غیر بازاری سرمایه انسانی و دوم مقایسه این آثار در ایران و سایر مناطق مختلف جغرافیایی و درآمدی جهان.



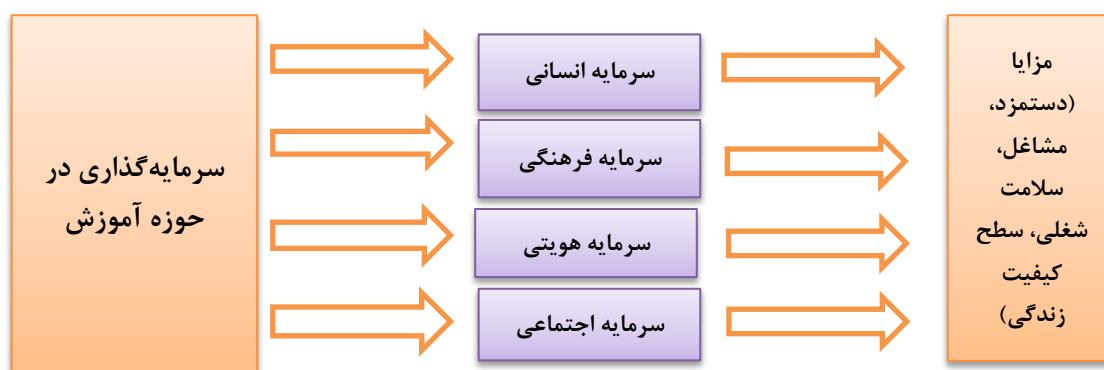
مبانی نظری و پیشینه

یکی از مباحث اساسی در اقتصاد آموزش، سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی دارای تعاریف مختلفی است که شاید بتوان خلاصه ترین و جامع ترین آن‌ها را "دانش نهادینه شده در انسان و یا کیفیت نیروی کار" دانست^۱. بر اساس مطالعات زیادی که انجام شده سرمایه انسانی دارای آثار مستقیم و غیر مستقیم زیادی است اما اگر در یک تقسیم بندی کلی بخواهیم این آثار را بیان کنیم، سرمایه انسانی یک اثر کلان دارد که همان تاثیرش بر رشد اقتصادی و به تبع آن بر توسعه اقتصادی است که از سرآمدان این حوزه شولتز و دنیسون را می‌توان نام برد و یک اثر خرد دارد که تاثیر بر درآمدهای فردی را اندازه‌گیری می‌کند که تابع درآمدی مینسر بهترین مدل ارائه شده در این خصوص است و این آثار خرد و کلان همه در حوزه اقتصادی و یا پولی سرمایه انسانی می‌گنجد. اما یکی از آثار برجسته سرمایه انسانی را می‌توان آثار غیربازاری و یا غیر پولی آن دانست که در این مقاله بدان پرداخته و به لحاظ تئوریک این آثار احصاء و با آمارهای بین المللی در مناطق مختلف جهان و ایران مقایسه خواهند شد.

رویکردها و بینش‌های مختلف به این موضوع که آموزش چگونه موجب توسعه ظرفیت‌های انسانی می‌شود، می‌تواند به درک بهتر ما از مزایای آن کمک کند. بنابراین، بحث این گونه شروع می‌شود که چگونه آموزش توانایی‌های افراد را به کمک اشکال مختلفی از سرمایه‌های فردی آن‌ها توسعه می‌دهد. آموزش بر چهار نوع سرمایه فردی اثرگذار است: انسانی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی (Feinstein & Hammond, 2004) که در شکل ۱ ملاحظه می‌گردد.

شکل ۱

توسعه انواع سرمایه جهت کسب منافع و مزایا



مک‌ماهون^۲ دامنه‌ی گسترده‌ی مزایای آموزشی (McMahon, 2000) و یادگیری مادام‌العمر (McMahon, 1998) را در دو نوع مختلف دسته‌بندی کرده است: مزایای بازاری^۳ و غیربازاری^۴ که هر کدام از آن‌ها می‌تواند جنبه خصوصی^۵ یا خارجی^۶ داشته باشد. شکل ۲ این مزایا را به تفکیک نشان می‌دهد.

۱- برای تعاریف مختلف سرمایه انسانی که شامل تعاریف فردی، سازمانی و ملی می‌باشد به منبع زیر مراجعه کنید:

صالحی، محمد جواد (۱۳۹۵)- رتبه بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی و سرمایه انسانی- موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

2. McMahon
3. Market benefits
4. non-market benefits
5. Private
6. External

شکل ۲

نمونه‌هایی از انواع مزایای فرآیند آموزش



مزایای بازاری خصوصی از طریق بازار کار حاصل می‌شود و شامل دستمزدهای بالاتر و چشم‌اندازهای شغلی بهتر است. مزایای غیربازاری خصوصی مورد توجه افراد است اما ممکن است از طریق بازار کار حاصل نشود، بلکه در محیط کاری و شغلی فرد حاصل شود. این مزایا شامل امید به زندگی بیشتر، اوقات فراغت مفرح‌تر و ادای تکلیف بهتر والدین در قبال فرزندان است که می‌تواند به سطوح آموزش بالاتر برای آن‌ها منجر شود.

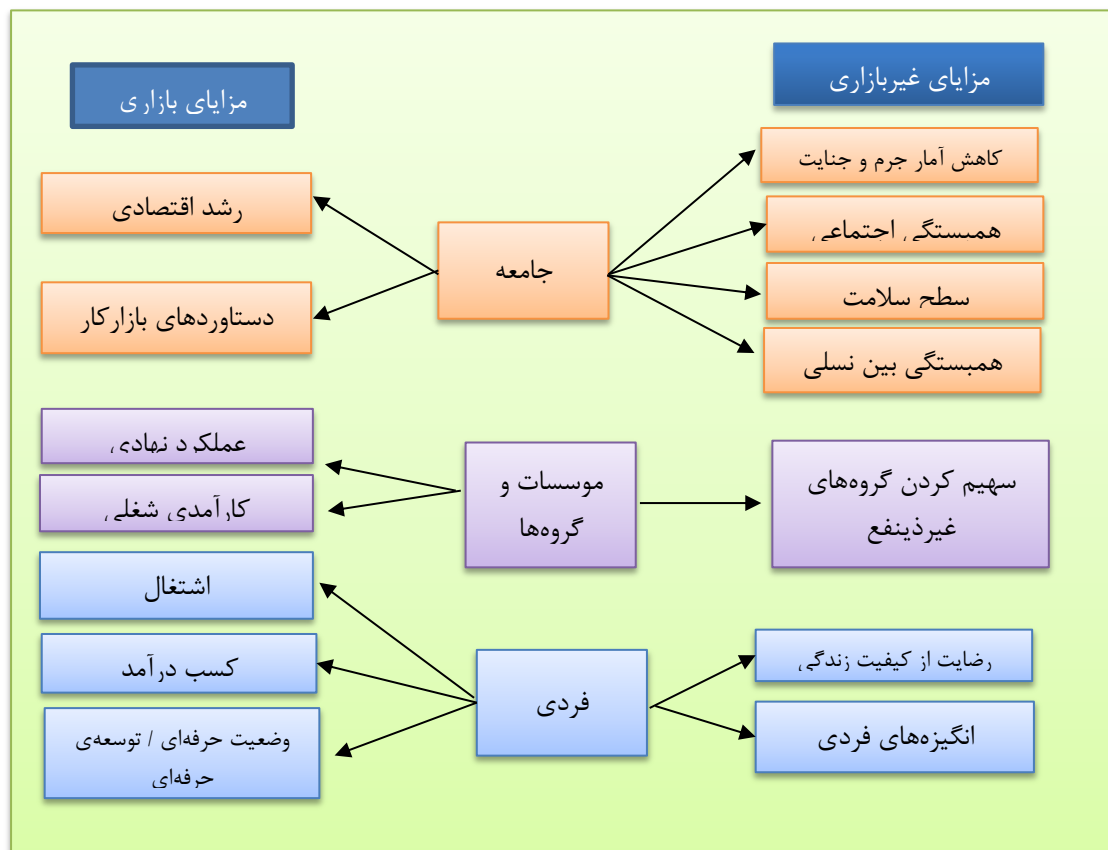
مزایای بازاری خارجی اغلب بازتاب دهنده نتایج غیرمستقیم فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌هاست. برای مثال، نیروی کار آموزش دیده می‌تواند توان خلاقیت سازمان‌ها را از طریق توسعه تکنولوژی‌های نوین یا بومی‌سازی کردن هر چه سریع‌تر آن‌ها ارتقا دهد و البته این امر می‌تواند به رشد سریع‌تر تولید ناخالص ملی نیز بیانجامد. این مزایا معمولاً در سطح اجتماعی نمود پیدا می‌کند و حالت عمومی دارد و بدین معناست که استفاده از این مزایا از سوی افراد، هیچ تاثیری در کاهش منتفع شدن دیگران از آن ندارد. نمونه‌های دیگر شامل احساس مسئولیت مدنی بیشتر است که می‌تواند به دموکراسی‌های مستحکم‌تر و بادوام‌تر در جوامع منجر شود. مزایای خارجی یا بیرونی می‌تواند

ایستا باشد، مانند بهبود نتایج حاصل شده توسط افراد به خاطر افزایش میانگین سطح آموزش یا اینکه حالت پویا داشته باشد، مانند بروز نوآوری بیشتر به دلیل افزایش سطح آموزش که خود موجب بهبود نرخ رشد عمومی می‌شود.

مزایای غیربازاری خارجی بدین معناست که مجموع کل مزایایی که به جامعه تعلق دارد، از مجموع مزایای متعلق به افراد همان جامعه بزرگتر (بیشتر) است. برای مثال، اگر فردی کمتر مرتکب فعالیت‌های خلافکارانه شود، جامعه به عنوان یک کلیت از آن سود می‌برد. با این وجود، تمام مزایای خارجی، مثبت ارزیابی نمی‌شوند. برای مثال، سرمایه‌گذاری هنگفت در حوزه آموزش کودکان با نرخ پایین زاد و ولد ارتباط دارد که خود با افزایش طول عمر، ممکن است به پیری جمعیت منجر شده و در نهایت فشار وارد بر حوزه‌های سلامت و خدمات رفاهی را افزایش دهد (Azarnert, 2006). هر دو مزایای بازاری و غیربازاری حوزه آموزش و سرمایه انسانی به افراد، موسسات، گروه‌ها و خود جامعه در کل تعلق دارد (شکل ۳).

شکل ۳

مزایای بازاری و غیر بازاری آموزش و ذی‌نفعان آن



• مقایسه آثار غیربازاری سرمایه انسانی در مناطق مختلف جهان

چند نکته مهم:

براساس داده‌های ارائه شده توسط بانک جهانی^۱ (World Bank, 2020) تحت عنوان «شاخص توسعه جهانی»^۲ و همچنین سایر گزارشات بین‌المللی معتبر به مقایسه شاخص‌هایی در مناطق مختلف جهان خواهیم پرداخت که نشان دهنده آثار غیربازاری سرمایه انسانی هستند. لازم به توضیح است که این آمارها از WDI سال ۲۰۲۰ استخراج شده‌اند، اما در برخی از آن‌ها فقط تا سال ۲۰۱۸ داده موجود بود. نکته دیگر اینکه در این تقسیم‌بندی براساس مناطق، برخی همپوشانی‌هایی دیده می‌شود، مثلاً کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با اتحادیه اروپا قطعاً دارای کشورهای مشترکی هستند. اما درخصوص معیارها و شاخص‌های مورد بررسی و مقایسه لازم به ذکر است که برخی مناطق فاقد اعداد و ارقام می‌باشند بنابراین برخی مقایسه‌ها قابل انجام نمی‌باشند. اما درحد امکان به این مهم پرداخته شده است.

مقایسه اعداد برای هر منطقه و شاخص‌های مورد نظر طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ انجام شده اما در بررسی مقایسه‌ای برای پرهیز از غرق شدن در اعداد و ارقام، فقط برای آخرین سالی که داده وجود دارد این مقایسه انجام شده که عمدتاً سال ۲۰۱۸ می‌باشد. نکته دیگر اینکه در بررسی برخی معیارها ممکن است تک شاخص‌هایی مورد بررسی قرار گیرند که خیلی با ذهن خواننده همخوانی نداشته باشند. به عنوان مثال یکی از شاخص‌های دموکراسی، شاخص سهم هزینه‌های نظامی از GDP است، اما پس از بررسی هر یک از شاخص‌های موجود بجای ترکیب آن‌ها که نیاز به یک روش ریاضی و آماری خاصی دارد و از یک روش شناسی و روش تحقیق علمی پیروی می‌کند، از خود شاخص دموکراسی که در گزارشات معتبر جهانی وجود دارد استفاده شده است. با توجه به اینکه مقاله حاضر یک مقایسه بین‌المللی است لذا از میان شاخص‌های گفته شده فقط آن شاخصی که دارای داده در سطح ملی و بین‌المللی است ارائه و مورد مقایسه قرار گرفته است.

نکته قابل اشاره دیگر اینکه چون تقسیم‌بندی درآمدی مناطق جهان بیشتر مورد مذاقه قرار گرفته لذا در این تقسیم‌بندی جغرافیایی مناطق شرق آسیا، خاورمیانه، صحرای آفریقا و آمریکای لاتین بدون در نظر گرفتن کشورهای که درآمد بالا دارند مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. به همین دلیل برخی روندها در برخی مناطق مثل شرق آسیا با ذهنیت خواننده و حتی نگارنده مقاله در تضاد قرار می‌گیرد. نکته آخر اینکه چون با توجه به عنوان مقاله^۳ یعنی «مقایسه آثار غیربازاری سرمایه انسانی» فرض این است که موارد مورد مقایسه خود معلول سرمایه انسانی هستند، لذا تا حدی از قضاوت و تحلیل اینکه چرا شاخص‌ها روندی صعودی یا نزولی داشته‌اند خودداری شده است.

الف) تقسیم‌بندی مناطق جهان به تفکیک مناطق جغرافیایی

داده‌های شاخص توسعه جهانی (WDI) به تفکیک مناطق جغرافیایی شامل بیش از ۲۰ منطقه است اما از آنجا که مقایسه ۲۰ منطقه به لحاظ جدول و آمار و نمودار با هم بسیار دشوار است، لذا ۹ منطقه‌ای که بیشترین مقایسات بین‌المللی معمولاً برای آن‌ها صورت می‌گیرد به همراه ایران به شرح زیر مد نظر قرار گرفته است (Marsh, 2020):

1. World Bank
2. World Development Index

۳. این مقاله از یک کار تحقیقی با همین عنوان استخراج شده است. برای مشاهده اجزای بیشتر مقایسه‌ها و همچنین آمار و داده‌های گسترده تر پیشنهاد می‌گردد به اصل گزارش پژوهشی و پیوسته‌های آن در موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی مراجعه شود.



۱. شرق آسیا و اقیانوسیه^۱

۲. اتحادیه اروپا^۲

۳. آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب (بجز کشورهای با درآمد بالا)^۳

۴. خاورمیانه و شمال آفریقا (بجز کشورهای با درآمد بالا)^۴

۵. خط زیر صحرای آفریقا (بجز کشورهای با درآمد بالا)^۵

۶. کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۶

۷. متوسط کل جهان^۷

۸. جنوب آسیا^۸

۹. آمریکای شمالی^۹

۱۰. ایران^{۱۰}

ب) تقسیم بندی مناطق جهان به تفکیک درآمد

۱. درآمد پایین^{۱۱}

۲. درآمد کمتر از متوسط^{۱۲}

۳. درآمد متوسط^{۱۳}

۴. درآمد بالاتر از متوسط^{۱۴}

۵. درآمد بالا^{۱۵}

ج) معیارهای مورد بررسی به عنوان آثار غیر بازاری سرمایه انسانی

این معیارها و شاخص‌های تعیین کننده آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. معیار بهداشت شامل: الف) امید به زندگی؛ ب) نرخ مرگ و میر نوزادان به ازای هر هزار تولد؛ ج) نرخ باروری؛ د) نرخ زاد و ولد به ازای هر

زن

۲. معیار دموکراسی شامل: الف) سهم هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی؛ ب) نرخ ثبت نام دوره متوسطه با وقفه زمانی ۱۵ سال؛ ج)

درآمد سرانه

1. East Asia & Pacific (Excluding High Income)
2. European Union
3. Latin America & Caribbean (Excluding High Income)
4. Middle East & North Africa
5. Excluding High in come
6. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD Members)
7. World
8. South Asia
9. North America
10. Iran, Islamic Republic
11. Low Income
12. Lower Middle Income
13. Middle Income
14. Upper Middle Income
15. High Income



۳. معیار حقوق بشر (سنجش آزادی‌های مدنی) شامل: الف) شاخص‌های معیار دموکراسی (هزینه‌های نظامی، نرخ ثبت نام متوسطه و درآمد سرانه)؛ ب) نرخ ثبت نام دوره متوسطه با وقفه زمانی ۱۰ سال؛ ج) نرخ ثبت نام در آموزش عالی
۴. معیار ثبات سیاسی شامل: الف) ریسک سیاسی (عدم حاکمیت قانون، جنگ‌های داخلی و خارجی، تروریسم سیاسی، ناتوانی مدیریت و رهبری و...؛ ب) ریسک مالی (قصور در پرداخت وام، سلب مالکیت و...؛ ج) ریسک اقتصادی (تورم، بدهی‌های بالا و...؛ د) درآمد سرانه؛ ه) هزینه‌های نظامی؛ و) آموزش متوسطه با وقفه ۲۰ ساله
۵. معیار نابرابری و فقر شامل: الف) میزان درآمد کسب شده از سوی ۲۰ درصد از فقیرترین اقشار جامعه (شاخص فقر مطلق)؛ ب) نابرابری درآمدی (ضریب جینی)؛ ج) نابرابری جنسیتی
۶. معیار زیست محیطی شامل الف) عدم بروز جنگل زدایی؛ ب) حفظ و نگهداری منابع آبی
 ج) کیفیت هوا؛
۷. معیار جرم و جنایت شامل: الف) آمار جرم و جنایت، ب) آمار خودکشی به ازای هر صد هزار نفر جمعیت
۸. شاخص کیفیت زندگی شامل: الف) شاخص قدرت خرید؛ ب) شاخص ایمنی؛ ج) شاخص سلامت؛ د) شاخص هزینه زندگی؛ ه) نسبت قیمت دارایی به درآمد؛ و) شاخص زمان رفت و آمد در ترافیک؛ ز) شاخص آلودگی هوا؛ ح) شاخص آب و هوا (اقلیم)

۱- بررسی روند شاخص امید به زندگی در تقسیم‌بندی جغرافیایی و درآمدی جهان

بررسی این شاخص طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که در تمامی مناطق مورد اشاره، این شاخص با شیبی بسیار ملایم روندی افزایشی داشته است. شمال آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای OECD که عمدتاً از کشورهای پیشرفته می‌باشند در بالاترین جایگاه بوده و امید به زندگی از حدود ۷۹ سال در سال ۲۰۱۰ به ۸۱ سال برای اتحادیه اروپا، حدود ۷۹ سال (تقریباً ثابت) برای آمریکای شمالی و ۸۰ سال برای کشورهای OECD در سال ۲۰۱۸ رسیده‌اند (OECD, 2000).

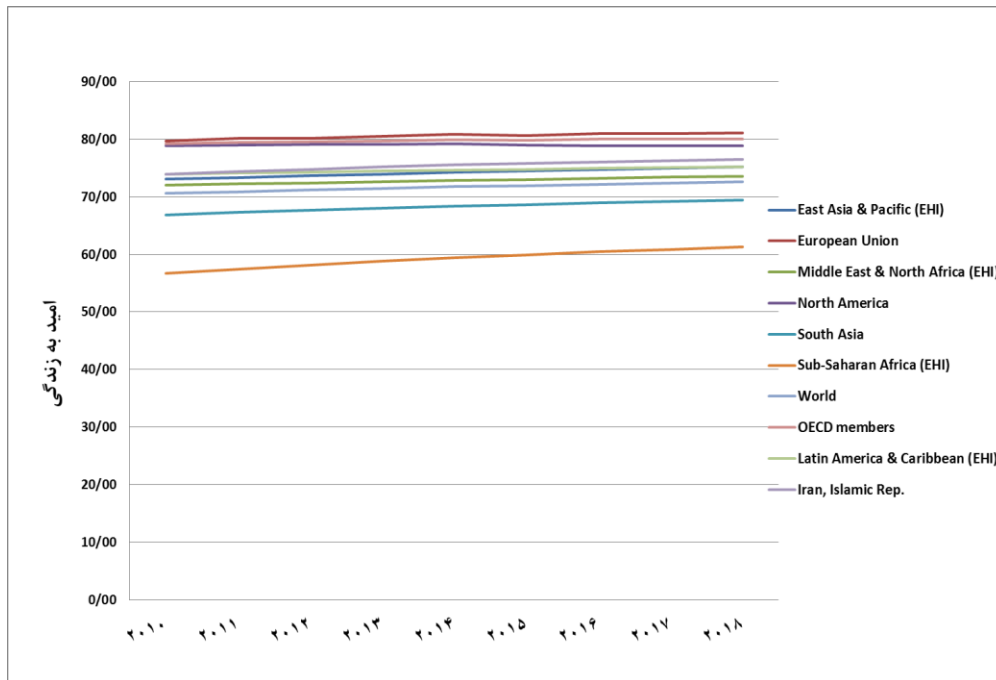
جدول ۱

روند شاخص امید به زندگی در مناطق مختلف جهان به تفکیک مناطق جغرافیایی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸

مناطق جغرافیایی	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
آسیای شرقی و اقیانوس آرام (EHI)	۷۳/۰۷	۷۳/۳۶	۷۳/۶۵	۷۳/۹۳	۷۴/۲۲	۷۴/۵۰	۷۴/۷۶	۷۴/۹۹	۷۵/۲۱
اتحادیه اروپا	۷۹/۶۳	۸۰/۱۴	۸۰/۱۶	۸۰/۴۶	۸۰/۸۷	۸۰/۵۷	۸۰/۹۵	۸۰/۹۳	۸۱/۰۳
خاورمیانه و شمال آفریقا (EHI)	۷۲/۰۱	۷۲/۲۱	۷۲/۴۱	۷۲/۶۰	۷۲/۸۰	۷۳/۰۰	۷۳/۲۰	۷۳/۳۹	۷۳/۵۹
آمریکای شمالی	۷۸/۸۱	۷۸/۹۲	۷۹/۰۳	۷۹/۰۴	۷۹/۱۴	۷۹/۰۱	۷۸/۸۸	۷۸/۸۸	۷۸/۸۹
آسیای جنوبی	۶۶/۸۵	۶۷/۲۶	۶۷/۶۵	۶۸/۰۱	۶۸/۳۴	۶۸/۶۴	۶۸/۹۲	۶۹/۱۷	۶۹/۴۱
جنوب صحرای آفریقا (EHI)	۵۶/۷۰	۵۷/۴۳	۵۸/۱۳	۵۸/۷۸	۵۹/۳۸	۵۹/۹۳	۶۰/۴۲	۶۰/۸۶	۶۱/۲۶
جهان	۷۰/۵۶	۷۰/۸۸	۷۱/۱۷	۷۱/۴۶	۷۱/۷۴	۷۱/۹۵	۷۲/۱۸	۷۲/۳۹	۷۲/۵۶
اعضای OECD	۷۹/۱۵	۷۹/۳۸	۷۹/۵۰	۷۹/۶۶	۷۹/۹۱	۷۹/۸۱	۷۹/۹۶	۸۰/۰۱	۸۰/۰۸
آمریکای لاتین و کارائیب (EHI)	۷۳/۸۹	۷۴/۰۸	۷۴/۲۶	۷۴/۴۳	۷۴/۶۰	۷۴/۷۶	۷۴/۹۲	۷۵/۰۹	۷۵/۲۵
جمهوری اسلامی ایران	۷۳/۹۱	۷۴/۳۵	۷۴/۷۸	۷۵/۱۶	۷۵/۵۰	۷۵/۸۰	۷۶/۰۵	۷۶/۲۷	۷۶/۴۸

شکل ۴

مقایسه روند امید به زندگی در مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ (World Bank, 2020)



همان گونه که جدول ۱ و شکل ۴ مربوطه نشان می‌دهد پس از این سه منطقه، سایر مناطق مورد بررسی چون ایران، خاورمیانه، شرق آسیا، متوسط جهان و آمریکای لاتین قرار گرفته‌اند که ایران در سال ۲۰۱۸ با حدود ۷۶/۵ سال از آن‌ها بالاتر است و سپس مناطق آمریکای لاتین (۷۵/۳ سال)، شرق آسیا (۷۵/۲ سال)، خاورمیانه و شمال آفریقا (۷۳/۶ سال)، متوسط جهان (۷۲/۶ سال)، جنوب آسیا (۶۹/۴ سال) و سپس با یک اختلاف فاحش به صحرای آفریقا می‌رسیم با ۶۱/۳ سال. همان گونه که شکل ۴ نشان می‌دهد روند همه مناطق با یک شیب نسبتاً ثابت و کم، افزایشی بوده است.

بررسی جدول ۲ و شکل ۵ به آن نشان می‌دهد که در همه مناطق درآمدی جهان این شاخص طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ افزایشی بوده و در این میان ایران از جایگاه خوبی برخوردار است. به طوری که فقط از مناطق درآمدی بالای جهان کمتر است و از سایر مناطق درآمدی جایگاه بالاتری دارد.

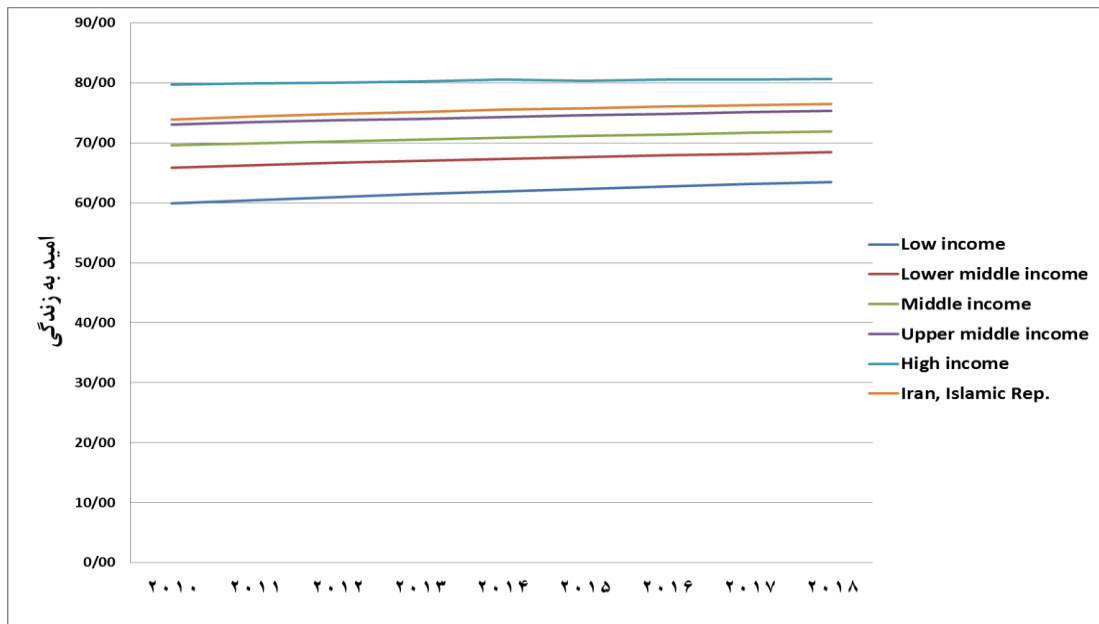
جدول ۲

روند شاخص امید به زندگی در مناطق مختلف جهان به تفکیک مناطق درآمدی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸

مناطق درآمدی	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
کم درآمد	۵۹/۸۸	۶۰/۴۳	۶۰/۹۵	۶۱/۴۵	۶۱/۹۱	۶۲/۳۵	۶۲/۷۶	۶۳/۱۴	۶۳/۵۰
پایین تر از متوسط	۶۵/۹۰	۶۶/۳۰	۶۶/۶۸	۶۷/۰۳	۶۷/۳۶	۶۷/۶۶	۶۷/۹۴	۶۸/۱۹	۶۸/۴۲
متوسط	۶۹/۵۸	۶۹/۹۳	۷۰/۲۶	۷۰/۵۷	۷۰/۸۷	۷۱/۱۴	۷۱/۴۰	۷۱/۶۵	۷۱/۸۵
بالاتر از متوسط	۷۳/۰۹	۷۳/۴۲	۷۳/۷۳	۷۴/۰۴	۷۴/۳۲	۷۴/۶۰	۷۴/۸۶	۷۵/۱۲	۷۵/۳۳
درآمد بالا	۷۹/۷۰	۷۹/۹۵	۸۰/۰۷	۸۰/۲۶	۸۰/۵۱	۸۰/۳۹	۸۰/۵۴	۸۰/۵۹	۸۰/۶۶
جمهوری اسلامی ایران	۷۳/۹۱	۷۴/۳۵	۷۴/۷۸	۷۵/۱۶	۷۵/۵۰	۷۵/۸۰	۷۶/۰۵	۷۶/۲۷	۷۶/۴۸

شکل ۵

مقایسه امید به زندگی در مناطق مختلف درآمدی جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ (World Bank, 2020)



از آنجایی که کشورهای با درآمد بالا تقریباً در بهترین شرایط بهداشتی بوده‌اند لذا مطابق شکل ۵ ملاحظه می‌شود که روند نسبتاً ثابتی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ داشته و طی این چند سال فقط یک سال به امید به زندگی آن‌ها افزوده شده است. اما بقیه مناطق درآمدی جهان توانسته‌اند طی این سال‌ها حدود ۲ تا ۲/۵ سال به این شاخص بیافزایند. سایر روندها و مقایسه‌ها در شکل ۵ قابل ملاحظه می‌باشد.

۲- مقایسه معیار دموکراسی

همانگونه که عنوان شد این معیار از چند شاخص همچون سهم هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی، نرخ ثبت نام دوره متوسطه با وقفه زمانی ۱۵ ساله و درآمد سرانه تشکیل شده است که از مبانی تئوریک آثار غیربازاری سرمایه انسانی گرفته شده است، اما بر اساس واحد اطلاعات اکونومیست^۱ که هر ساله شاخص دموکراسی را برای حدود ۱۷۰ کشور جهان احصاء می‌کند چنین برمی‌آید که این شاخص از پنج مؤلفه اصلی شیوه انتخابات و تکرگرای، آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی و عملکرد حکومت تشکیل شده است. براین اساس چون ترکیب آماری و درست و علمی شاخص‌هایی که عنوان شد کاری است دشوار لذا از همین شاخص که اکونومیست ارائه می‌کند استفاده کرده و وضعیت ایران را در مقایسه با سایر کشورها و یا مناطق جهان بررسی می‌کنیم. در سال ۲۰۲۰ میلادی وضعیت دموکراسی در جهان به صورت کلی به شرح جدول ۳ بوده است.

1. The Economist Intelligence unit



جدول ۳

بررسی وضعیت دموکراسی در کشورهای جهان، امتیاز و سهم آن‌ها از کشورها و جمعیت جهان در سال ۲۰۲۰ (Intelligence Economist, 2019)

نوع حکومت	بازه (امتیاز)	تعداد کشور	درصد از کشورهای جهان	درصد از جمعیت جهان
دموکراسی کامل	۱۰-۸	۲۳	۱۳/۸	۸/۴
دموکراسی ناقص	۶-۷/۹	۵۲	۳۱/۳	۴۱
شرایط بینابینی	۴-۵/۹	۳۵	۲۱	۱۵
حکومت اقتدارگرا	کمتر از ۴	۵۷	۳۴/۱	۳۵/۶

بر اساس شاخص دموکراسی ارائه شده برای ۱۶۸ کشور جهان در سال ۲۰۲۰ جایگاه ایران در میان سایر کشورها ۱۵۲ بوده و در زمره کشورهای با حکومت اقتدارگرا قرار می‌گیرد. امتیاز ایران در مجموع ۲/۲ از ۱۰ بوده و در زیر شاخص‌ها نیز به شرح ذیل است: شیوه انتخابات و تکثیرگرایی: ۰/۰۰ عملکرد حکومت: ۲/۵ مشارکت سیاسی: ۳/۸۹ فرهنگ سیاسی: ۳/۱۳ و بالاخره آزادی‌های مدنی: ۱/۴۷ بوده است.

۳- مقایسه معیار حقوق بشر (سنجش آزادی‌های مدنی)

این معیار نیز یکی از آثار غیربازاری سرمایه انسانی در کنار سایر آثار آن است. شاخص‌های دربرگیرنده آن براساس مبانی تئوریک سرمایه انسانی عبارتند از همان شاخص‌هایی که در معیار دموکراسی عنوان شد همانند سهم هزینه‌های نظامی از GDP، نرخ ثبت‌نام متوسطه و درآمد سرانه به اضافه نرخ ثبت‌نام در دوره متوسطه با وقفه زمانی ۱۰ ساله و نهایتاً شاخص نرخ ثبت‌نام درآموزش عالی. از آنجاکه ماحصل این شاخص‌ها به همراه سایر آزادی‌های مدنی همانند آزادی مطبوعات داخلی و خارجی، آزادی اقتصادی و چند سنجه دیگر در گزارش شاخص حقوق بشر^۱ ارائه می‌شود، لذا به آخرین گزارش این نهاد در سال ۲۰۲۰ اشاره کرده و چکیده آن را در اینجا خواهیم آورد.

به‌طورکلی در سال ۲۰۲۰ رتبه ایران در میان ۱۶۲ کشور ۱۵۸ با نمره ۴/۵۳ از ۱۰ بوده است. صفحه ۲۶ این گزارش نشان می‌دهد که ایران جزو چند کشور است که با ۰/۸۱ کاهش در نمره این شاخص، بدترین عقب‌گرد را طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ در آزادی داشته‌اند. در سال ۲۰۱۷ شاخص حقوق بشر در ایران ۱/۳۸- بوده و این در حالی است که کشورهای مختلف جهان از ۴- تا ۴+ و بیشتر، عدد گذاری شده‌اند.

در سال ۲۰۱۷ ایران جزو کشورهایی که آزادی مطبوعات نداشته‌اند دسته‌بندی شده است (دسته بندی سایت حقوق بشر: عدم وجود آزادی - تا حدودی آزاد - آزاد)

در سال ۲۰۱۹ ایران با عدد ۶۴،۴۱ از ۱۰۰ در دسته خیلی سرتی در آزادی جهانی مطبوعات دسته‌بندی شده است. تقسیم بندی سایت عبارت است از :

خوب- رضایت بخش - مسئله ساز - مشکل - خیلی سرتی

از خوب به بد ←

1. Human Right Index



۴- مقایسه معیار ثبات سیاسی

آنچه که از مبانی تئوریک آثار غیربازاری سرمایه انسانی در خصوص معیار ثبات سیاسی استنباط و احصاء شد این بود که این معیار از سه شاخص ریسک سیاسی^۱ (شامل زیر شاخص‌های عدم حاکمیت قانون، جنگ‌های داخلی و خارجی، تروریسم سیاسی، ناتوانی مدیریت و رهبری)، ریسک مالی^۲ (شامل قصور در پرداخت وام و سلب مالکیت)، ریسک اقتصادی^۳ (شامل تورم و بدهی‌های بالا)، درآمد سرانه، سهم هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی و بالاخره نرخ ثبت نام در دوره متوسطه با یک وقفه ۲۰ ساله تشکیل شده است. اما از آنجاکه پیدا کردن تک تک این شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها تقریباً دشوار بوده و از آن دشوارتر ترکیب و تلفیق علمی و درست با وزن دهی مناسب به هر شاخص است، لذا از منابع معتبر و گزارشات علمی جهانی شاخص ثبات سیاسی را به دست آورده و توضیح داده می‌شود. سایت اقتصاد جهانی^۴ شاخصی تحت عنوان ثبات سیاسی^۵ را برای حدود ۱۹۵ کشور جهان برآورد می‌کند. این شاخص از منفی ۲/۵ یعنی ضعیفترین تا مثبت ۲/۵ یعنی قویترین در ثبات سیاسی است. روند این شاخص طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ به شرح **جدول ۴** بوده است (www.TheGlobalEconomy.com).

جدول ۴

شاخص ثبات سیاسی ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ (www.TheGlobalEconomy.com)

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
شاخص	-۱/۶۳	-۱/۴۲	-۱/۳۲	-۱/۲۵	-۰/۸۷	-۰/۹۳	-۰/۸۱	-۰/۹۳	-۱/۳۴	-۱/۷

از میان ۴۸ کشور آسیایی ایران رتبه ۴۲ را در سال ۲۰۱۹ داشته است.

۵- مقایسه معیار نابرابری و فقر

از جمله شاخص‌های مرتبط با معیار نابرابری و فقر می‌توان بر میزان درآمد کسب شده از سوی ۲۰٪ از فقیرترین اقشار جامعه (شاخص فقر مطلق)، نابرابری درآمدی (ضریب جینی^۶) و بالاخره نابرابری جنسیتی اشاره نمود. از آنجا که شاخص اول یعنی میزان درآمد کسب شده از سوی ۲۰ درصد از فقیرترین اقشار جامعه و همچنین شاخص سوم یعنی نابرابری جنسیتی در حوزه‌های مختلف برای همه مناطق مورد بررسی در دسترس نبود، لذا فقط به شاخص ضریب جینی یا نابرابری توزیع درآمد در کشورهای دارای آمار می‌پردازیم. از جمله وظایف دولت‌ها تخصیص منابع، تثبیت و توزیع عادلانه درآمد است. توزیع درآمد به چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی می‌پردازد. به عبارتی، توزیع درآمد درصد نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند. پدیده نابرابری درآمد نه تنها از دلایل عمده فقر است، بلکه یکی از عوامل مهارکننده رشد اقتصادی نیز محسوب می‌شود. برای سنجش وضعیت توزیع درآمد یک جامعه، از شاخص آماری ضریب جینی استفاده می‌شود که عدد آن بین صفر (اشاره به برابری کامل در توزیع درآمدها) و یک (حاکی از نابرابری کامل در توزیع

1. Political Risk
2. Fiscal Risk
3. Economic Risk
4. The Global Economy.com
5. Political Stability
6. Gini Coefficient



درآمدها) است. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، ضریب جینی با رشد بسیار چشمگیری از حدود ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۴۱ در سال ۱۳۹۷ رسیده است که این میزان در ۱۶ سال اخیر بی سابقه بوده است. برای بررسی جایگاه بین‌المللی ایران در این شاخص نیز از داده‌های جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) استفاده شده که این داده‌ها مربوط به ۱۴۴ کشور جهان است. در سال ۲۰۱۸ عمده کشورهای آفریقایی در رتبه‌های اول تا دهم از لحاظ بیشترین نابرابری درآمدی قرار دارند. همچنین در این رده‌بندی، ایران با ضریب جینی ۰/۴۱ رتبه ۷۵ جهان را به خود اختصاص داده است یعنی ۷۴ کشور بعد از ایران از وضعیت بدتری در این شاخص رنج می‌برند. چند کشور بلوک شرق، چون جمهوری چک، اسلوانی و جمهوری اسلواکی سه کشوری هستند که با سیاست‌های مختلفی همچون سیاست کارآمد مالیاتی، مبارزه با فساد و رانت و دولت کارآمد توانسته‌اند نابرابری درآمدی در کشورهای خود را به طور قابل توجهی کاهش داده و در برقراری عدالت اجتماعی بیشترین موفقیت را داشته است.

جدول ۵

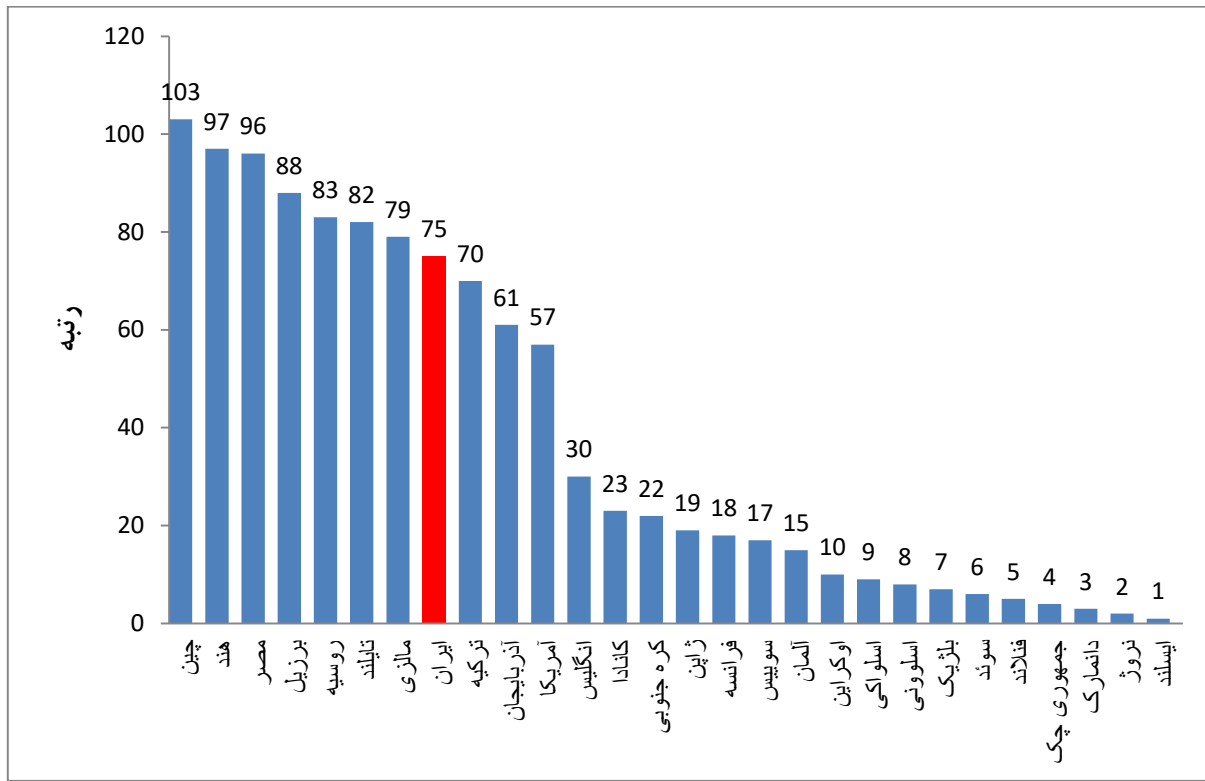
مقایسه ضریب جینی ایران با چند کشور منتخب جهان (OECD, 2000)

کشور	رتبه	ضریب جینی	کشور	رتبه	ضریب جینی
چین	۱۰۳	۰/۵۱	فرانسه	۱۸	۰/۲۹۹
هند	۹۷	۰/۴۷۹	سوئیس	۱۷	۰/۲۹۳
مصر	۹۶	۰/۴۷	آلمان	۱۵	۰/۲۹
برزیل	۸۸	۰/۴۴۹	اوکراین	۱۰	۰/۲۶۳
روسیه	۸۳	۰/۴۳۹	اسلواکی	۹	۰/۲۶۱
تایلند	۸۲	۰/۴۳۷	اسلوانی	۸	۰/۲۵۹
مالزی	۷۹	۰/۴۲۸	بلژیک	۷	۰/۲۵۹
ایران	۷۵	۰/۴۱۳۲	سوئد	۶	۰/۲۵۷
ترکیه	۷۰	۰/۳۹۸	فنلاند	۵	۰/۲۵۶
آذربایجان	۶۱	۰/۳۹۷	جمهوری چک	۴	۰/۲۵۶
آمریکا	۵۷	۰/۳۷۸	دانمارک	۳	۰/۲۵۳
انگلیس	۳۰	۰/۳۲۸	نروژ	۲	۰/۲۴۹
کانادا	۲۳	۰/۳۱۲	ایسلند	۱	۰/۲۴۴
کره جنوبی	۲۲	۰/۳۰۷			
ژاپن	۱۹	۰/۲۹۹			



شکل ۶

مقایسه رتبه چند کشور با ایران در ضریب جینی در سال ۲۰۱۸



جدول ۵ و شکل ۶ مقایسه چند کشور با هم و جایگاه ایران را در میان آن‌ها نشان می‌دهد. بر این اساس کشورهای ایسلند، نروژ و دانمارک با ضریب جینی ۰،۲۴، ۰،۲۵، ۰،۲۵۳ به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند بدین معنی که به لحاظ توزیع عادلانه درآمد، سرآمد همه کشورهای جهان هستند. همان گونه که جدول نشان می‌دهد کشور چین، هند و مصر نیز با رتبه‌های ۱۰۳، ۹۷ و ۹۶ و با ضرایب جینی ۰،۵۱، ۰،۴۸ و ۰،۴۷ ناعادلانه‌ترین توزیع درآمد را در میان ۲۹ کشور مورد بررسی دارند. همان گونه که عنوان شد ایران در این میان با ضریب جینی ۰،۴۱ رتبه ۷۵ را در سال ۲۰۱۸ کسب کرده است.

۶- مقایسه معیار زیست محیطی

شاخص‌های توضیح‌دهنده این معیار عبارتند از عدم بروز جنگل‌زدایی، حفظ و نگهداری منابع آب و نهایتاً شاخص کیفیت هوا. با بررسی داده‌های موجود در شاخص توسعه جهانی دو شاخصی که مرتبط با این معیار بود و می‌توانست به نوعی زیست‌محیط هر منطقه و کشوری را توضیح دهد یکی سطح جنگل مناطق مورد نظر به عنوان درصدی از کل منطقه و کشور و دیگری نیز شاخص مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان درصدی از مصرف کل انرژی مناطق و کشورها بود. از آنجا که آمار مربوط به شاخص بروز جنگل‌زدایی به نظر ناقص و دارای شک و شبه بود لذا فقط شاخص دوم یعنی مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در مناطق مختلف جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۶ حاکی از آن است که روندهای نسبتاً ثابت و یا کاهشی و با شیب بسیار ملایم را در مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ شاهد بوده‌ایم. اما نکته جالب توجه سهم بسیار بالای منطقه صحرای آفریقا است. که در سال ۲۰۱۵ با اختلاف بسیار معناداری از سایر مناطق جهان بالاتر است و ۷۰/۲۵ درصد از مصرف انرژی در این منطقه به انرژی‌های تجدیدپذیر تعلق دارد^۱.

جدول ۶

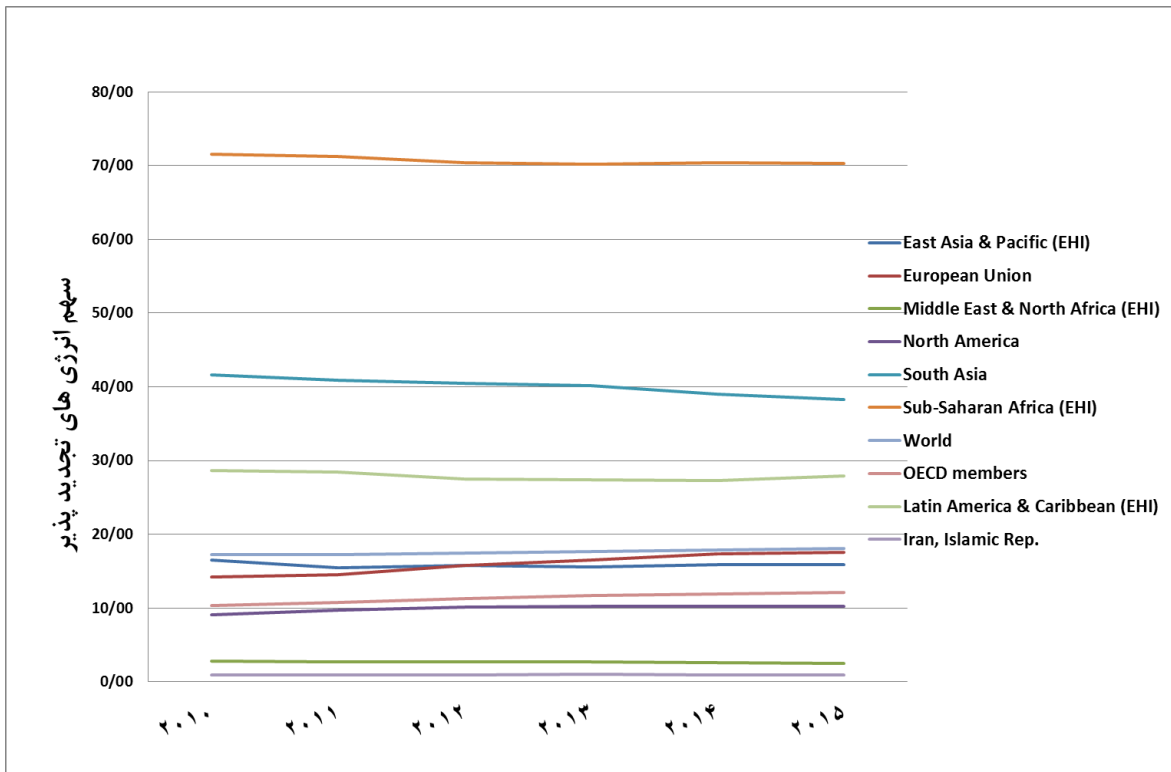
مقایسه روند مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ (World Bank, 2020)

مناطق جغرافیایی	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
آسیای شرقی و اقیانوس آرام (EHI)	۱۶/۴۷	۱۵/۴۶	۱۵/۷۶	۱۵/۵۷	۱۵/۸۵	۱۵/۸۶
اتحادیه اروپا	۱۴/۲۱	۱۴/۴۹	۱۵/۷۸	۱۶/۵۵	۱۷/۳۸	۱۷/۵۹
خاورمیانه و شمال آفریقا (EHI)	۲/۷۶	۲/۶۷	۲/۶۵	۲/۶۹	۲/۵۷	۲/۵۳
آمریکای شمالی	۹/۰۷	۹/۷۱	۱۰/۰۷	۱۰/۲۵	۱۰/۲۲	۱۰/۱۸
آسیای جنوبی	۴۱/۵۹	۴۰/۸۷	۴۰/۴۴	۴۰/۱۷	۳۹/۰۰	۳۸/۲۸
جنوب صحرای آفریقا (EHI)	۷۱/۵۶	۷۱/۲۱	۷۰/۴۴	۷۰/۱۷	۷۰/۴۱	۷۰/۲۵
جهان	۱۷/۲۶	۱۷/۲۱	۱۷/۴۸	۱۷/۷۰	۱۷/۸۷	۱۸/۰۵
اعضای OECD	۱۰/۳۷	۱۰/۷۶	۱۱/۲۸	۱۱/۶۷	۱۱/۹۰	۱۲/۱۰
آمریکای لاتین و کارائیب (EHI)	۲۸/۶۷	۲۸/۴۷	۲۷/۵۳	۲۷/۴۱	۲۷/۳۲	۲۷/۹۱
جمهوری اسلامی ایران	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۳	۱/۰۰	۰/۹۴	۰/۹۱

۱. شاید بتوان گفت که مصرف کل انرژی در این منطقه کم است و در نتیجه انرژی‌های بادی و خورشیدی و... سهم زیادی از کل مصرف انرژی را به خود اختصاص می‌دهند.

شکل ۷

مقایسه سهم انرژی‌های تجدید پذیر در مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ (World Bank, 2020)



در سال ۲۰۱۵ به ترتیب از سهم کم به زیاد از کل مصرف انرژی در مناطق مختلف جهان به شرح ذیل است: خاورمیانه و شمال آفریقا (۲/۵۳ درصد)، آمریکای شمالی (۱۰/۱۸ درصد)، کشورهای OECD (۱۲/۱۰ درصد)، شرق آسیا و اقیانوسیه (۱۵/۸۶ درصد)، اتحادیه اروپا (۱۷/۳۸ درصد)، متوسط جهان (۱۸/۰۵ درصد)، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب (۲۷/۹۱ درصد)، جنوب آسیا (۳۸/۲۸ درصد) و بالاخره در صدر همه مناطق، زیر خط صحرای آفریقا با ۷۰/۲۵ درصد است. ایران نیز در این میان با ۰/۹۱ درصد سهمی پایین‌تر از همه مناطق و حتی از متوسط خاورمیانه و شمال آفریقا دارد.

همان گونه که شکل ۷ نشان می‌دهد و نکته قابل توجه این شاخص نیز می‌باشد، در مناطق کمتر توسعه یافته این شاخص در طی زمان کاهش داشته است یعنی سهم انرژی‌های تجدیدپذیر همچون آب و باد و خورشید مرتب کم شده اما در مناطق پیشرفته‌تر این سهم مرتباً افزایش یافته است. به عنوان نمونه اتحادیه اروپا از ۱۴/۲۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به حدود ۱۷/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ و یا آمریکای شمالی از ۹/۰۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۰/۱۸ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. متوسط جهان در این شاخص از ۱۷/۲۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۸/۰۵ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است و همین حاکی از آن است که برآیند مناطق مختلف جهان در سهم مصرف انرژی‌های تجدید شونده از کل مصرف انرژی مثبت و افزایشی بوده است اگرچه با شیب بسیار ملایم.

جدول ۷ و شکل ۸ که سهم مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر از کل مصرف انرژی در مناطق مختلف درآمدی جهان را نشان می‌دهد ظاهراً همانند همین شاخص در مناطق مختلف جهان روندی خلاف ذهنیت محقق را نشان می‌دهد. بدین گونه که هرچه مناطق کم درآمد تر می‌شود این سهم بیشتر می‌شود و در حالی که این شاخص در همه مناطق درآمدی جهان طی سال‌های مورد مطالعه با شیب بسیار ملایم

افزایش یا کاهش داشته و یا بعضاً حتی ثابت بوده است، منطقه درآمدی پایین شاهد یک افزایش با شیب نسبتاً تند از سال ۲۰۱۰ به سال ۲۰۱۵ بوده به طوری که این سهم در آن منطقه از ۶۹/۷۶ درصد به ۷۶/۲۴ درصد رسیده است. سایر اطلاعات و نکات مورد توجه در جداول و نمودارهای مربوطه آمده و قابل بررسی است.

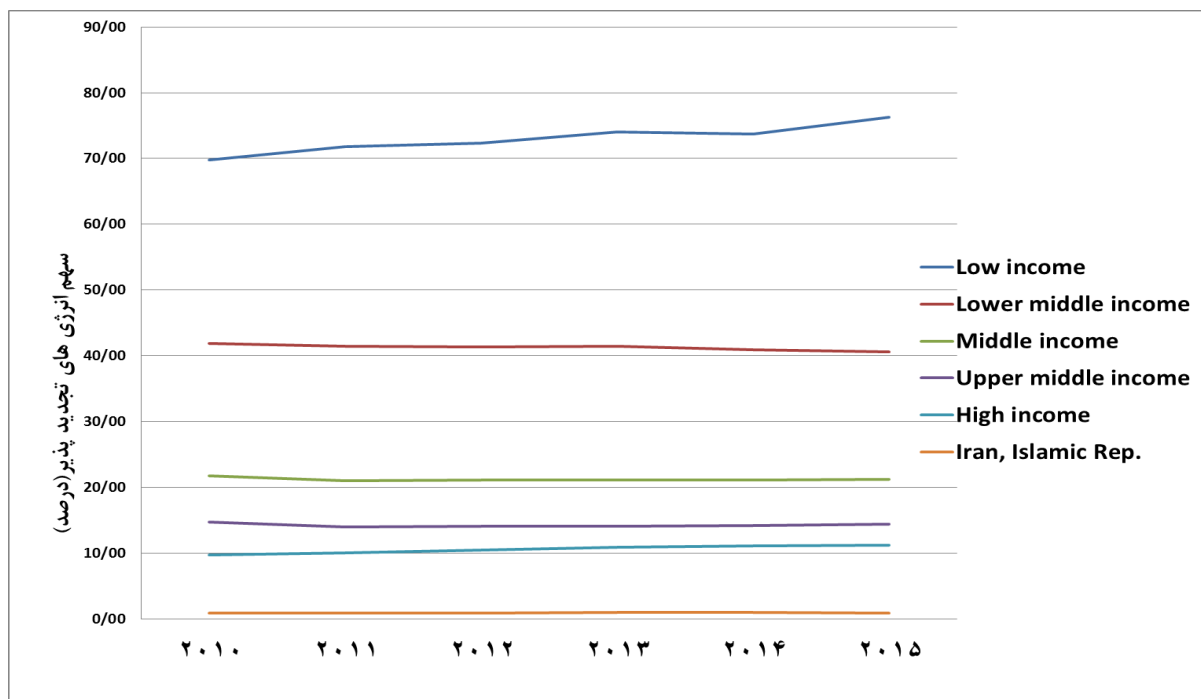
جدول ۷

مقایسه روند مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در مناطق مختلف درآمدی جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ (World Bank, 2020)

مناطق درآمدی	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
درآمد کم	۶۹/۷۶	۷۱/۷۷	۷۲/۳۸	۷۴/۰۴	۷۳/۷۵	۷۶/۲۴
پایین تر از متوسط	۴۱/۹۱	۴۱/۴۶	۴۱/۳۹	۴۱/۴۶	۴۰/۹۳	۴۰/۵۵
متوسط	۲۱/۷۶	۲۱/۰۲	۲۱/۱۰	۲۱/۱۳	۲۱/۰۹	۲۱/۲۲
بالاتر از متوسط	۱۴/۷۵	۱۳/۹۶	۱۴/۰۷	۱۴/۱۱	۱۴/۲۰	۱۴/۴۰
درآمد بالا	۹/۶۷	۱۰/۰۲	۱۰/۵۱	۱۰/۸۷	۱۱/۱۰	۱۱/۲۶
جمهوری اسلامی ایران	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۳	۱/۰۰	۰/۹۴	۰/۹۱

شکل ۸

مقایسه سهم مصرف انرژی‌های تجدید پذیر در مناطق مختلف درآمدی جهان طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ (World Bank, 2020)





۷- مقایسه معیار جرم و جنایت

براساس مطالعات انجام شده شاخص‌هایی که می‌تواند این معیار را تشریح کنند یکی آمار جرم و جنایت و دیگری نیز تعداد خودکشی منجر به فوت به ازای هر صد هزار نفر جمعیت در مناطق مختلف جهان می‌باشد. از آنجا که آمار جرم و جنایت در داده‌های مقایسه‌ای WDI موجود نبود فقط به شاخص خودکشی منجر به فوت بسنده می‌کنیم.

جدول ۸

تعداد خودکشی منجر به فوت در مناطق مختلف جهان طی سال‌های متفاوت (World Bank, 2020)

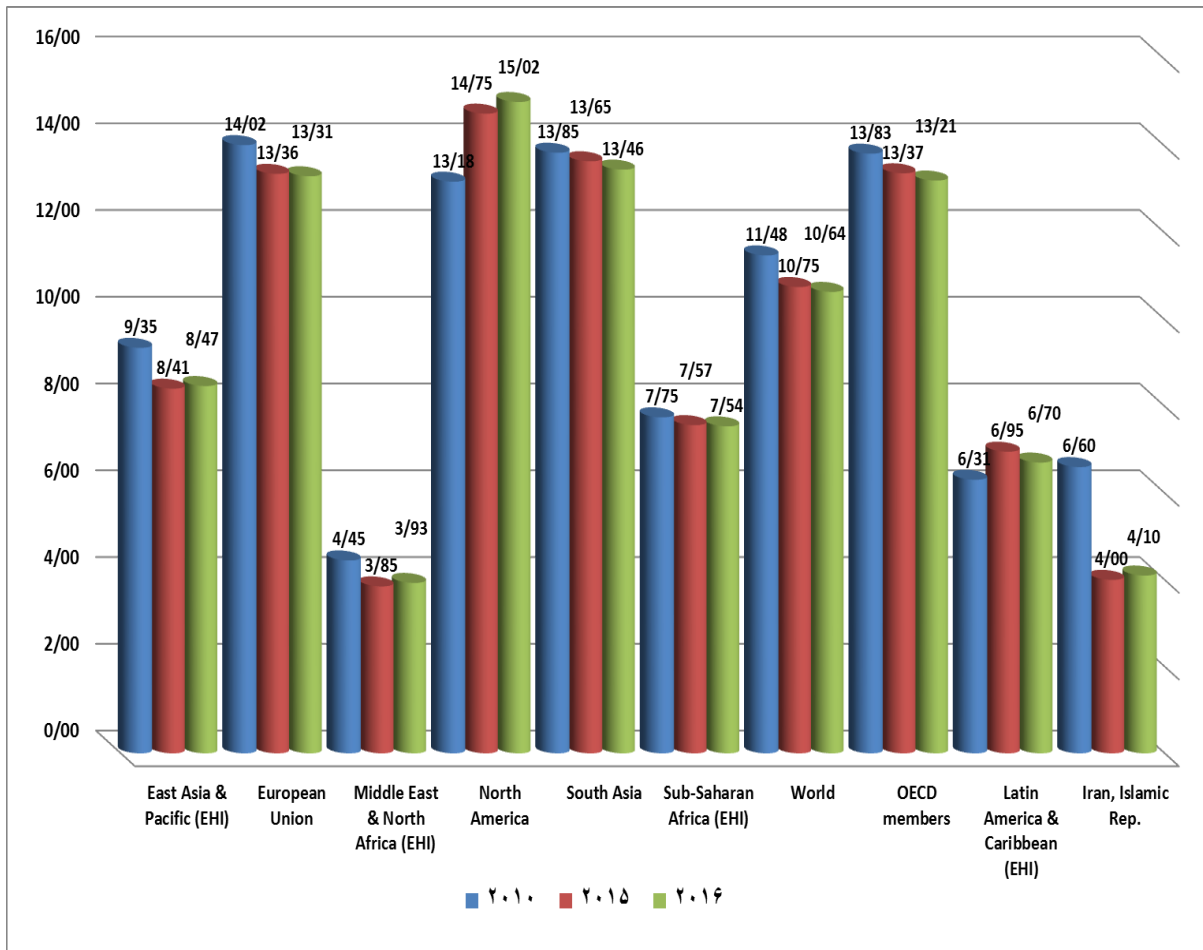
مناطق جغرافیایی	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
آسیای شرقی و اقیانوس آرام (EHI)	۹/۳۵	۸/۴۱	۸/۴۷
اتحادیه اروپا	۱۴/۰۲	۱۳/۳۶	۱۳/۳۱
خاورمیانه و شمال آفریقا (EHI)	۴/۴۵	۳/۸۵	۳/۹۳
آمریکای شمالی	۱۳/۱۸	۱۴/۷۵	۱۵/۰۲
آسیای جنوبی	۱۳/۸۵	۱۳/۶۵	۱۳/۴۶
جنوب صحرای آفریقا (EHI)	۷/۷۵	۷/۵۷	۷/۵۴
جهان	۱۱/۴۸	۱۰/۷۵	۱۰/۶۴
اعضای OECD	۱۳/۸۳	۱۳/۳۷	۱۳/۲۱
آمریکای لاتین و کارائیب (EHI)	۶/۳۱	۶/۹۵	۶/۷۰
جمهوری اسلامی ایران	۶/۶۰	۴/۰۰	۴/۱۰





شکل ۹

مقایسه تعداد مرگ و میر ناشی از خودکشی در مناطق مختلف جهان در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ (World Bank, 2020)



جدول ۸ نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی به ازای هر صد هزار نفر جمعیت را در مناطق مختلف جهان طی سه سال ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. شکل ۹ که از این داده‌ها حاصل شده نشان می‌دهد که در چهار منطقه اتحادیه اروپا، آمریکای شمالی، کشورهای OECD که همگی از مناطق توسعه یافته به حساب می‌آیند و همچنین جنوب آسیا نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی نسبتاً بالا بوده و با اختلاف معناداری از سایر مناطق جهان بیشتر است. شکل ۹ نشان می‌دهد که در برخی از این مناطق روند این شاخص کاهش (جنوب آسیا و OECD و اتحادیه اروپا) و در برخی افزایشی بوده است (آمریکای شمالی با ۱۵/۰۲ در سال ۲۰۱۶).

مناطق شرق آسیا، صحرای آفریقا و آمریکای لاتین در این شاخص در سطح بعدی و کمتر از مناطق ذکر شده قرار می‌گیرند. کمترین نرخ مربوط به منطقه خاورمیانه است که در سال ۲۰۱۶ با نرخ مرگ و میر ۳/۹۳ پایین‌تر از همه مناطق جهان قرار گرفته است. ایران نیز که تقریباً همانند منطقه خاورمیانه است با روند نزولی نسبتاً تندی از سال ۲۰۱۰ به ۲۰۱۵ روبرو بوده، بطوری که از ۶/۶ نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی در سال ۲۰۱۰ به نرخ مرگ‌ومیر ۴ در سال ۲۰۱۵ رسیده و سپس با یک افزایش اندک در سال ۲۰۱۶ به نرخ ۴/۱ رسیده است.



براساس داده‌های **جدول ۸** و **شکل ۹** این نرخ برای متوسط جهان ۱۱/۴۸ مرگ ناشی از خودکشی به ازای هر صد هزار نفر جمعیت در سال ۲۰۱۰ به ۱۰/۷۵ در سال ۲۰۱۵ و سپس به ۱۰/۶۴ در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

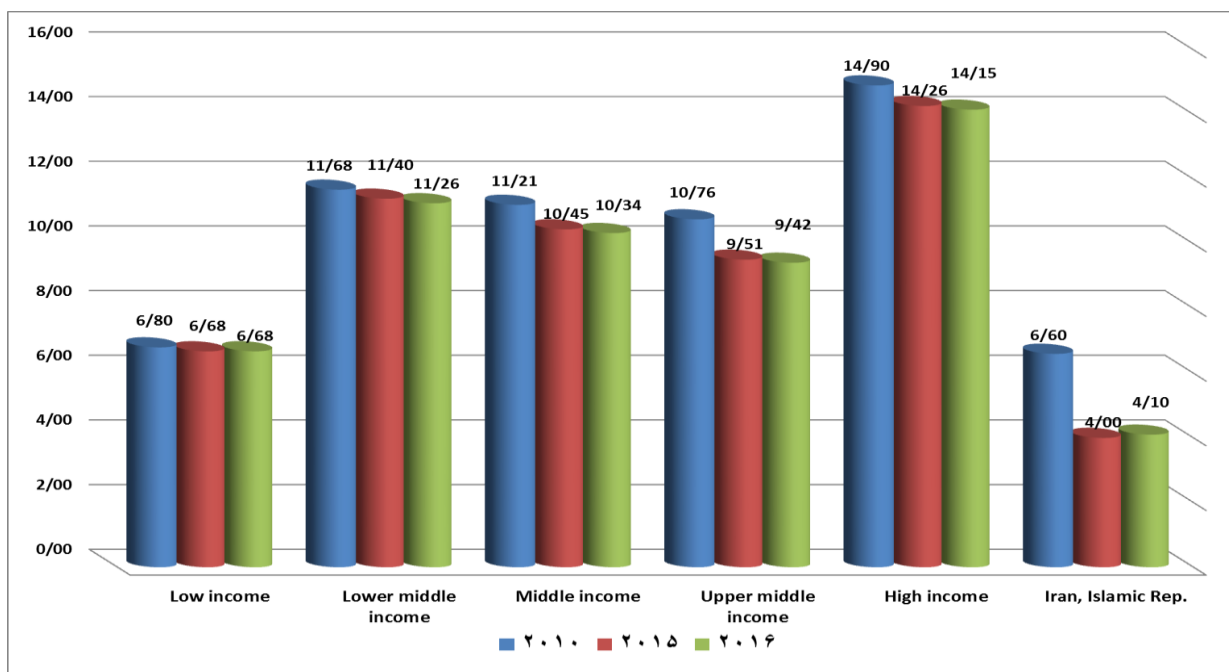
جدول ۹

تعداد خودکشی منجر به فوت در مناطق مختلف درآمدی جهان طی سال‌های متفاوت (World Bank, 2020)

مناطق درآمدی	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۶
درآمد کم	۶/۸۰	۶/۶۸	۶/۶۸
پایین تر از متوسط	۱۱/۶۸	۱۱/۴۰	۱۱/۲۶
متوسط	۱۱/۲۱	۱۰/۴۵	۱۰/۳۴
بالتر از متوسط	۱۰/۷۶	۹/۵۱	۹/۴۲
درآمد بالا	۱۴/۹۰	۱۴/۲۶	۱۴/۱۵
جمهوری اسلامی ایران	۶/۶۰	۴/۰۰	۴/۱۰

شکل ۱۰

مقایسه نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی در مناطق مختلف درآمدی جهان در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ (World Bank, 2020)



جدول ۹ و **شکل ۱۰** این شاخص را به تفکیک مناطق مختلف درآمدی و طی سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. همان گونه که قابل مشاهده است به جز ایران که شرح آن رفت، در سایر مناطق جهان بدین گونه است که کمترین نرخ در سال ۲۰۱۶ برای مناطق درآمدی

پایین با ۶/۶۸ مرگ در هر صد هزار نفر جمعیت و بیشترین آن در مناطق درآمدی بالا با نرخ ۱۴/۱۵ است. نکته قابل توجه دیگر این که در همه مناطق درآمدی این نرخ با شیئی بسیار ملایم طی سال‌های مورد مطالعه کم شده است.

۸- مقایسه معیار کیفیت زندگی^۱

کیفیت زندگی از اساسی‌ترین موضوعات علوم اجتماعی است که در آن مولفه‌های مادی توسعه اقتصادی و تولیدات داخلی در کنار مولفه‌های غیرمادی چون کیفیت کار، سطح باسوادی و فرهنگی، استاندارد پزشکی و بهداشت، کیفیت فراغت و تفریح، شرایط محیط‌زیست، جو سیاسی و حتی آزادی و اتحاد ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در زمینه محاسبه این شاخص مطالعات متعددی در نقاط مختلف دنیا صورت پذیرفته است که هر کدام از این مطالعات بر جنبه‌ای خاص از این مفهوم تاکید کرده‌اند. یکی از جدیدترین مطالعات انجام شده در این حوزه، متعلق به پایگاه اطلاعاتی "نامبئو" است که از بزرگ‌ترین پایگاه داده‌ای جهان است و اطلاعات کاملی را در خصوص متغیرهای رفاهی جمع‌آوری می‌کند. شاخص کیفیت زندگی ارائه شده در روش «نامبئو»، بر اساس هشت مولفه «شاخص قیمت مصرف‌کننده، شاخص قدرت خرید، نسبت قیمت دارایی به درآمد، شاخص مراقبت بهداشتی، شاخص ایمنی، شاخص زمان ترافیک شهری، شاخص آلودگی و شاخص آب و هوا» اندازه‌گیری می‌شود.

شاید بتوان گفت بهترین معیاری که می‌تواند نشان دهنده آثار غیربازاری سرمایه انسانی باشد همین شاخص کیفیت زندگی است که خود در برگیرنده بسیاری از شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، اقلیم و حتی نمادهای بد کشوری و شهری همچون ترافیک و آلودگی است که براساس نظریه سرمایه انسانی می‌تواند ناشی از کیفیت انسان و یا همان سرمایه انسانی باشد. شاخص کیفیت زندگی برای سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که کشور سوئیس با شاخص ۱۹۰/۸۲ دارای بهترین کیفیت و پس از آن دانمارک و هلند و فنلاند می‌باشند و این درحالی است که از میان ۸۳ کشوری که داده داشته‌اند کشورهای انتهایی جدول نیجریه با عدد شاخص ۵۲ رتبه ۸۳، ایران با شاخص ۶۴/۷۳ رتبه ۸۲ و بنگلادش با شاخص ۶۵/۲۷ حائز رتبه ۸۱ شده است. بنابراین در شاخصی که به اعتقاد محقق می‌توان تمام آثار غیربازاری سرمایه انسانی را در آن خلاصه کرد کشور ایران وضعیت بسیار بدی دارد. براساس گزارش شاخص کیفیت زندگی که در سال ۲۰۲۱ ارائه شده است عمدتاً کشورهای اروپای غربی، آمریکای شمالی و استرالیا و نیوزیلند و ژاپن دارای بهترین کیفیت، کشورهای آمریکای لاتین و شرق اروپا و روسیه و آسیای میانه دارای شاخص پایین و نسبتاً پایین هستند یعنی کیفیت زندگی پایین و نسبتاً بد. در این گزارش عمده کشورهای قاره آفریقا فاقد داده بودند. اما نکته جالب توجه اینکه در حالی که عمده کشورهای خاورمیانه دارای شاخص پایینی می‌باشند کشور عمان با شاخص ۱۷۲/۰۸ دارای رتبه ۱۲ و عربستان سعودی با شاخص ۱۴۷/۳۷ دارای رتبه ۳۱ در بین ۸۳ کشور مورد مطالعه بوده اند. برای بررسی بهتر این شاخص و رتبه کشورهای مورد مطالعه **جدول ۱۰** که حاوی شاخص‌های تشکیل دهنده معیار کیفیت زندگی است را می‌آوریم.^۲ جهت خلاصه سازی فقط چند کشور اول، وسط و انتهایی در **جدول ۱۰** آورده می‌شوند.^۳

1. Life Style

۲. شاخص کیفیت زندگی در شهرهای مختلف جهان که توسط استاد مقصود فراستخواه و محقق در گزارش تحقیقی تحت عنوان «دوین سند نظام تعاملات مدیریت شهری تهران با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی» مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهد که این شاخص برای تهران چه در میان شهرهای جهان و چه در میان شهرهای آسیایی تقریباً رتبه آخر را به خود اختصاص داده است.

۳. در اصل گزارش تحقیق تمامی ۸۳ کشور با شاخص‌های تشکیل دهنده مورد مقایسه قرار گرفته اند.

جدول ۱۰

شاخص کیفیت زندگی بر اساس شاخص‌های تشکیل دهنده برای برخی کشورهای جهان در سال ۲۰۲۰ (www.numbeo.com)

رتبه	کشور	شاخص کیفیت زندگی	قدرت خرید	ایمنی	شاخص سلامتی	هزینه زندگی	قیمت دارایی به درآمد	شاخص زمان ترافیک	شاخص آلودگی	شاخص آب و هوا
۱	سوئیس	۱۹۰.۸۲	۱۱۰.۹۶	۷۸.۶۵	۷۴.۴۷	۱۳۱.۷۵	۸.۴۲	۲۸.۷۳	۲۰.۰۹	۸۰.۰۵
۲	دانمارک	۱۹۰.۰۱	۹۴.۷۳	۷۳.۲۸	۷۹.۹۶	۹۱.۶۷	۶.۶۶	۲۸.۶۹	۲۰.۴۰	۸۱.۸۰
۳	هلند	۱۸۳.۳۱	۸۳.۸۹	۷۲.۷۸	۷۵.۷۶	۷۸.۶۴	۷.۳۵	۲۷.۸۱	۲۵.۲۸	۸۷.۱۱
۴	فنلاند	۱۸۲.۷۹	۸۹.۰۵	۷۲.۹۹	۷۶.۴۰	۷۷.۴۶	۸.۶۴	۲۸.۹۶	۱۱.۸۶	۵۶.۶۴
۵	اتریش	۱۸۲.۳۷	۷۸.۲۳	۷۴.۷۷	۷۸.۴۰	۷۵.۴۹	۱۰.۴۰	۲۵.۶۸	۱۹.۲۰	۷۷.۷۹
۷۹	فیلیپین	۷۸.۳۹	۱۹.۷۱	۵۷.۸۴	۶۷.۰۹	۴۰.۶۵	۳۰.۱۴	۴۴.۰۴	۷۴.۰۶	۶۱.۰۳
۸۰	کنیا	۷۵.۷۷	۲۷.۶۷	۳۸.۶۰	۵۵.۸۳	۳۶.۳۰	۲۷.۲۷	۵۷.۳۹	۷۵.۸۸	۹۹.۷۹
۸۱	بنگلادش	۶۵.۲۷	۲۴.۰۷	۳۵.۷۸	۴۲.۷۰	۳۳.۳۱	۱۴.۴۳	۵۸.۵۳	۸۴.۹۱	۷۲.۹۱
۸۲	ایران	۶۴.۷۳	۱۹.۰۰	۵۰.۸۱	۵۲.۲۵	۴۱.۳۴	۳۴.۲۴	۴۷.۴۳	۷۶.۱۳	۷۰.۹۹
۸۳	نیجریه	۵۲.۰۰	۹.۷۸	۳۶.۱۴	۴۸.۸۹	۲۹.۷۴	۱۷.۷۴	۶۱.۶۸	۸۷.۳۵	۶۰.۷۵
۳۸	لهستان	۱۳۲.۶۵	۴۷.۰۹	۷۰.۶۸	۵۸.۲۵	۴۲.۰۴	۱۴.۰۳	۳۱.۳۴	۵۴.۳۳	۷۵.۹۰
۳۹	آفریقای جنوبی	۱۳۲.۱۹	۷۲.۹۲	۲۲.۹۳	۶۳.۸۹	۴۱.۶۹	۳.۹۶	۳۹.۳۰	۵۶.۹۶	۹۵.۲۵
۴۰	رومانی	۱۳۱.۷۱	۴۵.۱۹	۷۱.۶۵	۵۶.۰۹	۳۸.۵۰	۱۰.۶۶	۳۴.۱۳	۵۸.۴۲	۷۷.۶۹
۴۱	پورتوریکو	۱۳۰.۷۷	۶۹.۲۲	۳۶.۶۵	۵۵.۵۷	۶۹.۵۱	۳.۵۶	۳۴.۱۶	۵۰.۴۵	۷۱.۲۵
۴۲	کره جنوبی	۱۳۰.۰۲	۷۶.۶۰	۷۳.۱۴	۸۲.۳۴	۸۱.۲۰	۲۳.۶۳	۳۹.۸۸	۶۱.۸۵	۶۸.۳۹
۴۳	یونان	۱۲۹.۸۶	۳۸.۹۵	۵۵.۸۶	۵۶.۹۶	۶۰.۹۶	۱۰.۱۳	۳۳.۹۴	۵۱.۹۵	۹۴.۱۸

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف به تصویر کشیدن آثار غیربازاری سرمایه انسانی و مقایسه ایران با مناطق مختلف جغرافیایی و درآمدی جهان آغاز شد. در خصوص مبانی تئوریک آثار غیربازاری سرمایه انسانی روی هم رفته، مطالعات انجام شده به این امر اشاره داشتند که لزوماً سطح مشارکت در آموزش که برای مزایای کلان اجتماعی، از طریق ارتقا همگرایی اجتماعی انجام می‌گیرد مهم نیست، بلکه این ترتیبات نهادی و ساختاری است که مورد توجه است. بر این اساس مناطق جغرافیایی به ۹ منطقه و مناطق درآمدی به ۵ منطقه تقسیم بندی شد. سپس بر اساس مبانی تئوریک و پیشینه تحقیق ۸ معیار اصلی و شاخص‌های تعریف کننده آن‌ها احصاء شد که میتوان بصورت کلی آن‌ها را در مقولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دسته بندی کرد. بطور خلاصه نتایجی که از مقایسه شاخص‌ها و معیارهای مورد بررسی بدست آمد به شرح زیر است:

۱- در شاخص امید به زندگی روند ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ صعودی بوده و در سال ۲۰۱۸ ایران از همه مناطق بالاتر بوده بجز سه منطقه پیشرفته آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا و کشورهای OECD و در تقسیم بندی درآمدی ایران از همه مناطق بالاتر بود بجز کشورهای با درآمد بالا

۲- در شاخص دموکراسی ایران دارای رتبه ۱۵۲ از ۱۶۰ کشور در سال ۲۰۲۰ بوده و در زمره حکومت‌های اقتدارگرا می‌گنجد.

- ۳- در شاخص حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ رتبه ایران ۱۵۸ از ۱۶۲ کشور و نمره ۴/۵۳ از ۱۰ بوده است. همچنین روند این شاخص طی سال‌های اخیر کاهشی بوده است.
 - ۴- در شاخص ثبات سیاسی ابتدا روندی متناوب و در سال‌های اخیر روندی کاهشی برای ایران شاهد بوده ایم. نمره ایران در این شاخص ۱/۷- و رتبه ۴۲ از ۴۸ کشور آسیایی در سال ۲۰۱۹ بوده است.
 - ۵- در شاخص نابرابری و فقر روند ضریب جینی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ کاهشی بوده یعنی نابرابری بیشتر شده است. همچنین در سال ۲۰۱۸ ایران با ضریب جینی ۰/۴۱ رتبه ۷۵ در میان ۱۴۴ کشور بوده است.
 - ۶- در شاخص سهم مصرف انرژی‌های تجدید پذیر روند ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ تقریباً ثابت بوده است. در آخرین سالی که داده موجود بود یعنی ۲۰۱۵ این شاخص پایین‌ترین سهم نسبت به سایر مناطق جهان بوده است. همچنین در این سال این شاخص برای ایران از همه مناطق درآمدی جهان کمتر بوده است.
 - ۷- در شاخص خودکشی منجر به فوت در هر صد هزار نفر جمعیت روند ایران طی سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نزولی و همانند منطقه خاورمیانه و کمتر از همه مناطق جهان بوده است. در تقسیم بندی درآمدی جهان این شاخص برای ایران کمتر از همه مناطق بوده است. همچنین این شاخص در کشورهای با درآمد بالا از همه بیشتر است.
 - ۸- در شاخص کیفیت زندگی که خود ترکیبی از چندین شاخص مهم اقتصادی اجتماعی فرهنگی و زیست محیطی است، ایران در سال ۲۰۲۰ با عدد ۶۴/۷ از ۱۰۰ دارای رتبه ۸۲ از ۸۳ کشور جهان بوده است.
- در پایان باید به این نکته توجه کرد که ایران در شاخص توسعه انسانی^۱ در سال ۲۰۱۹ با امتیاز ۰/۷۹۷ رتبه ۶۵ در میان ۱۸۹ کشور جهان را به دست آورده است که جایگاه نسبتاً خوبی است. همچنین در سال ۲۰۱۸ در شاخص علمی^۲ که ترکیبی از تعداد مقالات، تعداد مقالات قابل ارجاع، تعداد ارجاعات، تعداد ارجاعات به خود، تعداد ارجاعات به مقاله و اچ ایندکس^۳ می‌باشد، رتبه ایران ۱۶ بوده و این در حالیست که از کشور لهستان، ترکیه، سوئیس و سوئد بهتر بوده است. در شاخص سرمایه انسانی^۴ نیز در سال ۲۰۱۸ ایران با نمره ۰/۵۹ دارای رتبه ۷۱ در میانه ۱۵۷ کشور مورد بررسی بوده است.
- حال با توجه به سه شاخص توسعه انسانی، علمی و سرمایه انسانی که نشان دهنده جایگاه نسبتاً خوب ایران در میان سایر کشورهاست می‌توان نتیجه گرفت که چون متغیرها و مولفه‌های تشکیل دهنده این شاخص‌ها عمدتاً سلامت، درآمد و آموزش (به لحاظ کمی تعداد دانشجو و دانش آموز، تعداد مقالات و این قبیل مولفه‌ها) می‌باشد که ایران نیز در آن‌ها وضعیت خوبی دارد، لذا ضمن اینکه در این شاخص‌ها نسبتاً خوب هستیم اما آثار غیر بازاری این شاخص‌ها (از جمله سرمایه انسانی) همانگونه که بررسی‌های مقاله نشان داد در حوزه‌هایی چون حوزه سیاسی خیلی پایین، در حوزه‌های اجتماعی نسبتاً پایین و اگر شاخص کیفیت زندگی را ترکیبی از همه شاخص‌ها و معیارها در نظر بگیریم حاکی از آن بود که آثار غیر بازاری سرمایه انسانی در کیفیت زندگی اصلاً تأثیری نداشته و جزء بدترین کشورها در این شاخص بوده ایم. تنها معیاری که در سطح خوبی قرار داشت، معیار سلامت و بهداشت بود.
- در پایان یادآور می‌شود این مقاله فارغ از آزمون‌های آماری مرسوم جهت تایید و یا رد فرضیه، فقط به ارائه اطلاعات و داده‌هایی در خصوص آثار غیربازاری سرمایه‌انسانی پرداخت و مقایسه‌ای با سایر مناطق جغرافیایی و درآمدی جهان داشت. امید آنکه ارائه این تصویر مقایسه‌ای از

1. Human Development Index
2. Scientific Index
3. H index
4. Human Capital Index

وضعیت شاخص‌های مورد نظر انگیزه‌ای شود برای تغییر دیدگاهها و رویکردهای سرمایه انسانی و هشداری باشد مبنی بر اینکه افزایش کمیت‌هایی همچون تعداد دانشجو و بالا رفتن شاخص‌های مرتبط با آن چون تعداد مقاله حتما به بهبود اوضاع و شاخص‌های کیفی جامعه نمی‌انجامد!

پیشنهادها

می‌توان پیشنهاد داد که سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان نباید تنها به مقولات کمی فکر کرده و باید کیفیت زندگی افراد جامعه را مد نظر قرار دهند. این کمیت‌ها باید به بهبود کیفیت و زیست خانواده‌ها و کشور بیانجامد. پیشنهاد نهایی این است که این معیارها و شاخص‌ها به نوعی وضعیت کلی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را نشان داد پس باید تلاش دولت و حکومت در راستای بهبود آن‌ها باشد. سیاست‌هایی همچون رعایت قوانین و مقررات در خصوص منابع ملی همچون جنگل‌ها و.....، اعطای آزادی‌های فردی و رعایت حقوق اساسی مردم در حوزه آزادی‌های اجتماعی، بهبود روابط با سایر کشورهای جهان با رعایت استقلال و آزادی کشور در حوزه سیاست خارجی و اعطای حق رای و مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه بصورت آزاد در حوزه سیاست داخلی و شاید از همه مهمتر بهبود شرایط اقتصادی جامعه که می‌تواند ماحصل سیاست‌های فوق‌الذکر باشد. از آنجا که ظرفیت خالی در جامعه بسیار زیاد است، اندک تلاشی در جهت بهبود و ارتقاء این شاخص‌ها، رتبه کشور را در همه ابعاد جهش چشمگیری خواهد داد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- Azarnert, L. V. (2006). Child mortality, fertility, and human capital accumulation. *Journal of Population Economics*, 19, 285-297. <https://doi.org/10.1007/s00148-005-0020-4>
- Ebadi, J., & Salehi, M. (2010). The effect of human capital inequality on men and women on the life expectancy. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 16(2), 81-98. <https://www.sid.ir/paper/67894/fa>
- Emadzadeh, M. (1995). *Discussions of the economics of education*.
- Farasatkah, M. (2020). *Human Sciences and the Problem of Social Impact*.
- Farasatkah, M., & Salehi, M. J. (2021). *Compilation of the document of Tehran's urban management interaction with universities and higher education and research institutions*.
- Feinstein, L., & Hammond, C. (2004). The contribution of adult learning to health and social capital. *Oxford Review of Education*, 30(2), 199-221. <https://doi.org/10.1080/0305498042000215520>
- Intelligence Economist. (2019). Democracy Index 2019. In.
- Marsh, J. (2020). Political Risk Map 2020: Trade Tensions Threaten Political Stability. In: February.
- McMahon, W. W. (1998). Conceptual framework for the analysis of the social benefits of lifelong learnings. *Education economics*, 6(3), 309-346. <https://doi.org/10.1080/09645299800000022>
- McMahon, W. W. (2000). The impact of human capital on non-market outcomes and feedbacks on economic development. *The contribution of human and social capital to sustained economic growth and well-being*, 4-37. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=76dc7114671c667990c5df8721fbc22e84925383>
- Naderi, A. (2014). *Economics of Education*.
- OECD. (2000). *Estimating Economic and Social Returns to Learning* Session 3 Issues for Discussion,
- Psacharopoulos, G. (2000). Economics of Education à la Euro. *European Journal of Education*, 81-95. <https://www.jstor.org/stable/1503619>

۱ در این خصوص پیشنهاد می‌گردد به منبع ذیل مراجعه شود: فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۹). "علوم انسانی و مسئله تاثیر اجتماعی"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- Salehi, M. J. (2002). The Effect of Human Capital on Iran's Economic Growth. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 23(24), 43-73. https://journal.irphe.ac.ir/article_702687.html
- Salehi, Mohammad Javad (2005). Calculation of private return on human capital, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, (36, 36). https://journal.irphe.ac.ir/article_702521.html
- Salehi, Mohammad Javad (2015). Providing a model for measuring the monetary value of human capital and estimating it in Iran, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 21(1). <https://doi.org/10.22034/irphe.2015.707050>
- Vásquez, I., McMahon, F., Murphy, R., & Schneider, G. S. (2020). *The human freedom index 2020*. Fraser Institute. <https://www.fraserinstitute.org/sites/default/files/human-freedom-index-2020.pdf>
- World Bank. (2020). *World development indicators 2020*. The World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/10986/6014/1/681720PUB0EPI004019020120Box367902B.pdf>
- www.numbeo.com.
- www.TheGlobalEconomy.com.